

نهاد صرافی و کارکرد تجارتخانه جمشیدیان در دوره قاجار*

علی اکبر تشکری بافقی^۱

چکیده

تغییراتی که از نیمه دوم قرن سیزدهم قمری (۱۹ م) در مسیر و طرف‌های تجاری ایران پدید آمد، کارکرد تجار و صرافان گسترش یافت. در این دوره متأثر از فعالیت انجمن اکابر پارسیان هند و ارتقای یزد به یکی از کانون‌های تجاری، زرتشتیان فرصتی یافتند تا به تجارت و صرافی روی آورند. جمشید بهمن با ایجاد تجارتخانه جمشیدیان در دو حوزه ملکی و تجاری در میان کارگزاران اقتصادی و دولتمردان سیاسی نفوذ یافت و علاوه بر ایجاد شعباتی در شهرهای ایران و خارج از کشور، به مقام رئیس‌التجاری نیز ترقی نمود. چنین رویکردی نمودار تعامل ساختار قدرت با اقلیت‌ها و ضرورت وجودی نهاد صرافی در بافت تجاری بود؛ اما بنا به دلایلی مانند بی‌ثباتی سیاسی - اقتصادی پس از مشروطه، عدم سیاست‌گذاری مدون در گذار از ساختار اقتصاد سنتی به مدرن و اعمال بی‌رویه بانک شاهی و استقراضی سرانجام از میان رفت. واژگان کلیدی: زرتشتیان یزد، بازرگانی قاجاریه، نهاد صرافی، تجارتخانه جمشیدیان.

Currency Exchange Institution and the Role of Jamshidian Commercial Firm during the Qajar Era

Ali Akbar Tashakori Bafghi²

Abstract

Following the emergence of certain changes in the trade direction and trade partners of Iran, the role of businessmen and money changers became more and more prominent. In this period, the Zoroastrians, impressed by the activities of the Akaber Indian Persians and the promotion of Yazd as a commercial center, found the opportunity to set up business and money changing offices in order to compensate for their social failures. As a result of establishing Jamshidian commercial firm in housing and business domains and also setting up some other branches in and out of the country, Jamshid Bahman became so influential among the economic officials and political statesmen that he was promoted to the position of the prime businessman of Iran. However, such a trend, which was indicative of the interaction of power structure with the minorities and the necessity of such a money changing office in the realm of commerce, ended in failure because of certain reasons such as the economic-political instability after the Constitution Era, the lack of an organized policy-making in the transition from the traditional economic structure to the modern one, and the invalid procedures adopted by the state banks (shahi Bank) and Isteghrazi (Russian) Bank which was receiving loans.

Keywords: Jamshidian, Zoroastrian, Qajar Era, Yazd, Commercial firm.

مقدمه

قرار گرفتن هند در حلقهٔ تعامل و تضاد قدرت‌های جهانی قرن سیزدهم قمری (۱۹ میلادی)، از سویی بر اهمیت ایران به عنوان دروازهٔ ورود به هند یا حفاظت از گسترهٔ غربی آن افزود و از دیگر سو در عرصهٔ تجارت، با اتکا بر نقش تاریخی ایران در انتقال کالاهای آسیا به اروپا در مسیر جاده‌های تجاری شرقی - غربی، نظر دولت‌های اروپایی را به خود جلب کرد. انقلاب فرانسه، رشد سرمایه‌داری، کشف راه‌های دریایی، توجه به مستعمرات و مواردی اینچنین، غرب را در سدهٔ نوزدهم میلادی واجد خصائلی جهانی ساخت؛ در حالی که بازرگانی ایران از شکل سنتی خود در مبادلهٔ کالا، صدور محصولات کشاورزی و مواد خام فراتر نمی‌رفت. گذشته از ناامنی و فساد مالی، مفاد دو عهدنامهٔ گلستان ۱۲۲۸ قمری (۱۸۱۳ م) و ترکمان‌چای ۱۲۴۳ قمری (۱۸۲۸ م) نیز در عمل راه دخالت بیگانگان در امور بازرگانی را می‌گشود.

ورود روس‌ها به عرصهٔ بازرگانی ایران (۱۲۸۷ ق/۱۸۷۰ م)، باعث شد که میانگین سالانهٔ مبادلات از ۶/۳ میلیون روبل (۱۲۶۷ ق/۱۸۵۰ م) به ۸۷/۷ میلیون روبل طی سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۴ میلادی ترقی یابد. حال آنکه واردات و صادرات با انگلیس به ترتیب ۲۵٪ تا ۱۲٪ کاهش و با شورهای چون عثمانی، فرانسه و آلمان بین ۱۰٪ تا ۱۵٪ کاهش، یافت.^۳ بدین ترتیب تغییر طرف‌های عمدهٔ تجاری، مسیرهای بازرگانی را نیز تعویض کرد. با آغاز دریانوردی به وسیله کشتی‌های بخار و گشایش کانال سوئز (۱۲۸۶ ق/۱۸۶۹ م)، نه تنها مسافت دریایی بین ایران و غرب اروپا از هیجده هزار کیلومتر به ده هزار کیلومتر کاهش یافت، که تجارت از راه‌های طویل کاروانی به باراندازهای جدید، سوق یافت.^۴

تصرف خانات آسیای مرکزی توسط روسیه و گسترش تجارت ایران با این کشور از طریق دریای خزر، به همراه گشایش خطوط آهن در مرزهای هند، دادوستد کاروانی با مناطق مذکور و افغانستان را به شدت کاهش داد.^۵ با ظهور چنین تغییراتی، تجار ایرانی که تا اواسط دورهٔ قاجار اشراف کلی بر مبادلات خارجی داشتند، بنابر دلایلی چون امتیازات بازرگانی و حقوق ناشی از کاپیتولاسیون، عدم حمایت حکومت، عوارض راهداری و مالیات‌های گمرکی به تدریج توان رقابت با همتایان خارجی

۳. محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان (تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۶۲)، ص ۹. همچنین نک:

Isawi, charls. "Iranian Trades (1800-1906)." *Iranian studies*, XVI, Nos, 3-4 (Summer - Autumn 1983), p. 234

4. "The Tabriz-Trabozan Trade. 1830-1900." *International Journal of Middl-East-studie*. Vol 1. no 1. 1971 p. 91.

۵. آ.اچ. نیوکامن، *اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم*، ترجمه معصومه جمشیدی و محمدتقی حروفچین (تهران: مؤسسه

را از دست دادند.

مبتنی بر چنین رویکردهایی، پژوهش حاضر برآن است تا ضمن واکاوی در اهمیت و جایگاه نهاد صرافی - به عنوان جزء لاینفکی از تجارت سنتی - تنوع کارکرد آن را به بحث گذارده و با توجه به برجستگی تجارتخانه جمشیدیان در امور صرافی و ملکی، نحوه و حوزه‌های فعالیت، به انضمام عوامل تأثیرگذار بر افت، آن را به عنوان نمادی از حیات اقتصادی ایران محل توجه قرار دهد.

نهاد صرافی در دوره قاجار

در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی (۱۳ ق)، بازرگانان از حیث تعداد و شهرت به امانت‌داری، در بالاترین سطوح اجتماعی قرار داشتند.^۶ آنها گهگاه در کارهای عمرانی، صنعتی و حتی اعطای مساعده به حکومت مشارکت می‌کردند و ویژگی عمده‌شان را وابستگی مستقیم به زمینداران، روحانیان و فعالیت به نمایندگی از اشراف زمیندار شکل می‌داد.^۷

با آنکه تجار در ایران، به عکس اروپا، در خرید و فروش انواع کالاها دخیل بودند^۸ و مالیاتی جز عوارض گمرکی نمی‌پرداختند،^۹ اما همراه با رشد روزافزون معاملات، مشکل حمل پول در خریدهای نقدی نیز بروز بیشتری یافت. زمانبری، هزینه‌های گزاف و خطرات امنیتی به انضمام ممنوعیت خروج طلای رایج که انتقال پول‌های خارجی به بیرون از کشور را با موانعی مواجه می‌ساخت، در نهایت آنها را به سوداگری با برات و دیگر اوراق تجاری هدایت کرد.^{۱۰} بدین گونه هرچند با گشایش اعتبار، تجار می‌توانستند بر اساس پول یا حواله مبادلات خود را صورت دهند، اما در قیاس با مراکز بازرگانی، چنین راهکاری در دیگر مناطق با عدم استقبال و یا تخفیف بالای ۲۰٪ مواجه شد.^{۱۱} از این رو عدم توسعه پول‌هایی با مبالغ بالا به همراه مشکلات ناشی از حمل و نقل سکه و ارزش پایین پول رایج، سود سرشاری را نصیب صرافان می‌کرد.^{۱۲}

۶ ژولین دو روششوار، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸)، ص ۱۵۰.

۷ ن. آ. کوزنتسوا، *اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی*، ترجمه سیروس ایزدی (تهران: نشر بین‌الملل، ۱۳۵۸)، ص ۸۶.

۸ کنت دو گوینو، *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری (تهران: فرخی، بی‌تا)، ص ۳۲.

۹ روششوار، ص ۱۵۶.

10. G. Gilbar, "The Big merchant (tujjar) and the persian constitutional revolution of 1906," *Asian and African Studies*. 1977, p. 206.

11. W. M. Floor. "The merchant (tujjar) in Qajar Iran," *Zeitschrift der deutsch Morgen landischen Gesellschaft*. 1979, p. 111.

۱۲. شیرین مهدوی، *زندگی‌نامه حاج محمد حسن کمپانی*، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۹)، ص ۴۸.

از حیث بافت ذهنی جامعه، هرچند ممنوعیت ربا در اسلام و تقید تجار به رعایت مبانی دینی در تعارض با نهاد صرافی بود، اما مبتنی بر ارتباط متقابل بازرگانی و بانکداری - هر چند سنتی - و قرار گرفتن ایران در معرض تجارت جهانی، گریزی جز توجیه شرعی وجود نداشت. صرافان در وضعیتی مشابه با بانکداران فلورانس سده چهاردهم میلادی که به واسطه ممنوعیت رباخوری توسط علمای مسیحی با عناوینی چون هدیه و مشارکت در سود و یا دریافت ربا به پول دیگر کشورها آن را مشروع می‌ساختند،^{۱۳} در صدد مشروع‌سازی فعالیت خود بودند.^{۱۴} در نتیجه نه تنها اغماض از دستورات دینی، آنها را در تعارض با متولیان مذهبی قرار نداد^{۱۵} که شواهدی نظیر پیوندهای خویشی با تجار،^{۱۶} جذب برخی از سادات بدین شغل و در بعدی فراتر، حضور دو نماینده از صرافان در نخستین مجلس شورای ملی، نشان از وجاهت اجتماعی آنها داشت. در وجوهی مشترک با تجار، دامنه فعالیت صرافان به سه حوزه مناطق کوچک، کل ایران و خارج از کشور^{۱۷} تقسیم می‌شد و عناصری چون آرامش و ثبات سیاسی یا اختلال در امنیت، تأثیری خاص بر رشد یا افولشان داشت.^{۱۸}

از دیگر سو با آنکه دو بانک شاهنشاهی (شاهی)^{۱۹} و استقراضی^{۲۰} - به عنوان نمادی از رقابت

13. Raymond De Rover, *The Rise and decline of The medici bank 1397- 1494* (Cambridge: Harvard University Press. 1963), p.10-14.

۱۴. به عنوان نمونه در شهرهای یزد و اصفهان، فروش‌ها را با قیمت ثابت و اعتبارهای طولانی انجام می‌دادند. با این که طول زمان اعتبار به ارزش کالا بستگی داشت اما بخش اعظم معاملات در سه ماه خاتمه می‌یافت. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۵)، ص ۲۰۰.

۱۵. در اصفهان جماعت صرافان به حدی گسترده بود که بازاری مخصوص به خود داشتند و در عصر ناصری تعدادی از آنها به تبریز و تهران مهاجرت کردند. میرزا حسین‌خان تحویلدار، *جغرافیای اصفهان*، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲)، ص ۱۰۳. به گفته فسایی، در فارس نیز بزرگان صنف صرافان از اعیان محلات بوده‌اند؛ میرزا حسن حسینی فسایی، *فارسنامه ناصری*، ج ۲، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ص ۹۱۸.

۱۶. ایرج افشار، *سواد و بیاض*، ج ۲ (تهران: کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۴)، ص ۱۹۱، ۲۱۷ و ۲۱۹.

۱۷. به عنوان نمونه کوزن در مشهد از ۱۴۴ صراف یاد می‌کند که از نظر مالی به سه قسم بزرگ، متوسط و خرده‌پا تقسیم می‌شدند؛ جرج ن. کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، ج ۲ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، ص ۲۳۴.

۱۸. *تاریخچه سی ساله بانک ملی ۱۳۳۷-۱۳۰۷* (تهران: بانک ملی ایران، ۱۳۳۸)، ص ۱۵.

۱۹. بانک شاهنشاهی ایران بر اساس امتیازی که در سال ۱۳۰۶ قمری (۱۸۸۹م) با حمایت دراموند ولف وزیر مختار بریتانیا در تهران و امین‌السلطان به بارون ژولوس در رویترا اعطا شد تأسیس گردید. این بانک گذشته از نشر اسکناس و تسلط بر بازار پول کشور در تجارت خارجی نیز فعال بود و پس از چندی بر بازار اسعار خارجی تسلط کامل پیدا کرده و صرافان ایرانی را از میدان رقابت بیرون کرد؛ حسین محبوبی اردکانی، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۲ (تهران: انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۴۲)، ص ۸۲-۸۰؛ احمد اشرف، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه* (تهران: زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۵۹.

۲۰. یک سال پس از تأسیس بانک شاهی، یکی از اتباع روسیه به نام لازار پولیاکوف (L. Poliakov) در ۱۳۰۷ قمری (۱۸۹۰م) با حمایت پرنس دالگورگی وزیر مختار روسیه در تهران امتیازنامه انجمن استقراضی ایران را که در ۱۳۰۹ قمری (۱۸۹۲م) بانک استقراضی ایران نامیده شد برای مدت ۷۵ سال به دست آورد. این بانک در ۱۳۱۱ قمری (۱۸۹۴م) رسماً به بانک دولتی پترزبورگ واگذار شد و زیر نظر وزارت دارایی روسیه درآمد، نک: فیروز کاظم‌زاده، *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴*، ترجمه منوچهر امیری (تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۲۶۲-۲۵۵.

انگلیس و روسیه در تسلط بر نظام اقتصادی و وابستگی رجال سیاسی به خود، نهاد صرافی را به چالش گرفتند، اما درک و آشنایی بهتر صرافان نسبت به شرایط محلی، همکاری با تجار به عنوان شرکای اقتصادی و روابط شخصی و غیر حقوقی با وام‌گیرندگان، ضمانتی بر تداوم حیاتشان تا اواخر عصر قاجار بود.^{۲۱}

همگام با کشمکش بریتانیا و روسیه در تسلط بر نظام مالی ایران، ناکارآمدی دخالت دولت در پاسخگویی به احتیاجات تجار و قیمت بالای سرویس‌دهی صرافان را می‌توان از موانع جدی در توسعه اقتصادی این دوران به شمار آورد.^{۲۲}

گستره عملکرد صرافان الف: تبدیل مسکوکات

اشراف صرافان بر اوزان و ارزش فلزات، نحوه تبدیل مسکوکات داخلی و خارجی و تبدیل سریع پول در نوسانات بازار، آنها را به مهم‌ترین رکن حیات بازرگانی ارتقا می‌داد. از آنجا که در فضای اقتصاد سنتی، بیشترین نقدینگی توسط صرافان در گردش بود، میزان تمول آنها نیز وابستگی خاص به محل فعالیت و سطح معاملات داشت.^{۲۳} چنانکه این مهم، همراه با وابستگی عواید به آگاهی از فراز و فرود ارزش پول، صرافان بزرگ را به ایجاد نمایندگی‌هایی در مراکز مهم تجاری داخل و - حتی در کشورهای طرف معامله با ایران - خارج از کشور سوق داد.^{۲۴}

ب: برات

برات در ساختار اقتصادی ایران، نوعی حساب جاری در تأمین امور بانکی داخل و گاه خارج از کشور به شمار می‌رفت.^{۲۵} تأدیه برات‌ها تابع ضوابط خاصی بود که مطابق با آن در صورت عدم تعیین زمان پرداخت با مدتی تأخیر تأدیه می‌شد. هم‌چنین صاحب برات در مواقع احتیاج به پول معادل ۲۴٪

۲۱. فلور، ص ۲۱۷. تا حدود بیست سال پس از ایجاد بانک شاهی، صرافی‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند.

۲۲. در لزوم بانکداری نوین لرد کرزن به دلایل چندی اشاره دارد: نابسامانی نظام پولی، نوسانات شدید اسعار خارجی، کمیابی پول در بازار مبادلات، توزیع نامتعادل فلزات گرانبها، هزینه گزاف حمل سکه، دشواری‌های عظیم در ارسال پول، اسعار خارجی و فلزات قیمتی به اروپا و شیوع رباخواری با بهره‌های سنگین، نک: کرزن، ج ۱، ص ۶۱۴-۶۱۳.

۲۳. به عنوان نمونه می‌توان به یزد اشاره کرد که رشد تجارت جنوب نقشی شگرف در رونق بازرگانی آن در عصر ناصری داشت و از این رو صرافان آن که بیشتر از زرتشتیان بودند، غنای مالی قابل توجهی داشتند.

۲۴. منصوره اتحادیه، *اینجا تهران است* (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۷)، ص ۳۵۲.

۲۵. فلور، ص ۲۰۸.

تا ۳۰٪ تنزیل می‌داد که این مبلغ با احتساب فرع آن تا ۶۰٪ امکان ترقی داشت.^{۲۶} بر این اساس، گردش نقدینگی توسط صرافان - که حتی مدت‌ها پس از آغاز به کار دو بانک شاهی و استقراضی نیز دوام آورد - از طریق دو دسته برات دیوانی و تجاری صورت می‌پذیرفت. برات دیوانی احاله وجه به معتمدان و منتفذانی چون علما و صاحبان مناصب بود که آنها را مستمری و مقرری می‌خواندند.^{۲۷} برات تجاری نیز در بیشتر مواقع با ذکر زمان پرداخت، امکان دریافت وجه نقد را فراهم می‌ساخت و سود هنگفتی برای صرافان داشت.^{۲۸}

ج: فعالیت در عرصهٔ زراعت

با توجه به جایگاه اقتصاد زراعی، بخشی از کارکرد صرافان را مشارکت در مبادلهٔ محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد. بر این مبنای پس از توافق تاجر و ارباب بر قیمتی معین - چندی پیش از برداشت - حواله‌ای در وجه تاجر صادر می‌گردید که تأدیه آن پس از برداشت محصول بود. اما با توجه به خرید نقدی محصولات، پیش از سررسید قرارداد، مالک با کسری از مبلغ توافقی و یا به صورت برات آن را حواله می‌کرد که در این بین استفادهٔ قابل توجهی نصیب صرافان می‌شد. هم‌چنین در صورت تعویق بازپرداخت وام، تصرف اراضی امانی - که به عنوان تضمینی در انجام به موقع تعهدات بود - آنها را در جرگهٔ زمینداران قرار می‌داد.^{۲۹}

د: مشارکت در خرید و فروش مناصب حکومتی

در شرایطی که مناصب اجرایی به‌سان کالایی تجاری در معرض خرید و فروش قرار داشت، دریافت و بقای آن نیز بدون پرداخت رشوه به شاه و درباریان غیر ممکن می‌نمود.^{۳۰} بر این اساس، صرافان با دریافت مبالغی هنگفت - با نزول بالا^{۳۱} - در وجه خزانه حواله‌هایی به نام شخص متقاضی صادر می‌کردند^{۳۲} و در عمل، مقروض حکومت می‌شدند. البته در چنین مواردی سود و زیان صراف

۲۶. گوینو، ص ۳۳.

۲۷. برای آگاهی بیشتر از چنین تقسیمی که از نامه‌های تجار وابسته به امین‌الضرب در یزد برداشت گردیده، نک: اصغر مهدوی و ایرج افشار، یزد در اسناد امین‌الضرب (تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۸۰)، ص ۲۲۲.

۲۸. گوینو، ص ۳۳.

۲۹. برای نمونه‌ای از اختلافات جمشیدیان با ورثهٔ آصف‌الدوله دربارهٔ اراضی امانی وی، نک: توجر امینی، اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران: ۱۳۳۸-۱۲۵۸ش (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰)، ص ۱۲۸-۱۳۳.

۳۰. کرزن، ج ۱، ص ۵۷۳.

۳۱. بر خلاف ضوابط اسلامی نرخ بهره تا ۱۰۰٪ قابل افزایش بود. فلور، ص ۲۰۷.

۳۲. البته با توجه به گستردگی نامزدان مناصب، مال‌الاجاره به «بیست‌وپنج هزار تومان به علاوه پنج‌هزار تومان به سود نایب‌السلطنه که آن را هم قانونی و جزو حقوق دیوانی خود می‌دانست بالغ ولی مبالغ غیر قانونی تا حدود دویست‌هزار تومان یا بیشتر می‌شد». کاساکوفسکی، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی (تهران: کتاب‌های سیمرغ، ۱۳۵۵)، ص ۵۷-۵۶.

رویکردى دو سویه داشت. با آن که عموماً حاکم پس از عزیمت به محل قدرت، وام خود را با بهره‌ای هنگفت تأدیه می‌کرد اما همواره نیز چنین نبود. اگر فرد در جلب حمایت بخشی از درباریان ناکام می‌ماند نه تنها هزینه تعارفات را از دست داده بود که برای صراف راهی جز اکتفا به وجهی پایین‌تر و یا حداکثر دریافت همان مبلغ پرداختی وجود نداشت.^{۳۳}

گرایش زرتشتیان یزد به تجارت

بنابر آنچه پیشتر ذکر شد تغییراتی در مسیرهای ارتباط بازرگانی، گشایش کانال سوئز و رشد تجارت جنوب ایران با هند^{۳۴} نه تنها یزد را به یکی از گرانیگاه‌های اقتصادى ایران ارتقا بخشید، که فرصتى به زرتشتیان منطقه در ورود به سوداگری و صرافى داد. آنها که در میان مسلمانان فاقد وجهتى مطلوب بودند^{۳۵} با اقدامات انجمن اکابر پارسیان^{۳۶} و خاصه تلاش‌های مانکجی لیمجی هاتریا،^{۳۷} هم از زیر بار جزیه‌رهایى یافتند،^{۳۸} و هم آن که روابط اقتصادى خود را با هند گسترش دادند.^{۳۹} در مجموع و مبتنى بر ساختار سیاسى ایران عصر قاجار که به رغم شرایط نامطلوب اجتماعى - پذیرش اقلیت‌های دینی - زمینه‌های مستعدى را در ارتقای ایشان فراهم نمود، موفقیت اقتصادى زرتشتیان را می‌توان به عواملی چند وابسته دانست:

- فعالیت انجمن اکابر در آشنایی زرتشتیان با دنیای خارج و حمایت مالی از ایشان
- حمایت انگلیسى‌ها در لغو جزیه و جلوگیری از اعمال خودسرانه مقامات محلى

۳۳. فلور، ص ۲۰۸.

۳۴. عیسوی، چارلز. *تاریخ اقتصادى ایران ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق.* ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره، (۱۳۶۱)، ص ۹۶.

۳۵. برای نمونه‌هایی از رفتار با زرتشتیان در یزد، نک: سی. ام. مک. کرگر، شرح سفرى به ایالت خراسان، ترجمه مجید مهدى‌زاده (مشهد: آستان قدس رضوى، ۱۳۶۶)، ص ۳؛ ابراهام جکسن، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیرى و فریدون بدره‌ای (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۳)، ص ۴۲۳.

۳۶. این انجمن به ابتکار مهروانجى و با همیارى جمعى از پارسیان به منظور جمع‌آوری وجوه خیریه و مصرف آن تأسیس شد: «پارسی‌نامه (پارسیان نام‌آور و پرآوازه هند)»، فروهر، سال دهم، ش ۵، ص ۲۲-۱۶.

37. Manekji Limji hateria

۳۸. بر اثر تلاش‌های مانکجی و حمایت ر. ف تامسن سفیر مختار انگلیس، ناصرالدین شاه طى حکمى به تاریخ رمضان ۱۲۹۹ ق جزیه را لغو نمود که بر اثر آن زرتشتیان یزد از پرداخت ۸۰۰ تومان رهایى یافتند. برای آگاهی بیشتر، نک: رشید شهردان، تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان (تهران: چاپ راستى، ۱۳۶۰)، ص ۲۱۴؛ جهانگیر اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان (تهران: ماهنامه هوخت، ۱۳۵۵)، ص ۴۲۷.

۳۹. همچنین برای آگاهی بیشتر در مورد نقش پارسیان هند و ارتباط اقتصادى آنها با همکیشان خود در ایران، نک:

M. M. Murrzban, *The Persia in india (bomay: 1917)*, p. 115.

- اقدامات آموزشی انجمن پارسیان در تعلیم و تربیت اقشار فرودست زرتشتی^{۴۰}
- اهمیت تجاری یزد به عنوان پل ارتباط مناطق جنوبی با دیگر مراکز تجارت ایران^{۴۱}
- فراغ بال زرتشتیان از تقیدات شرعی و ممنوعیت‌های اسلامی خاصه در زمینهٔ ربا.

جمشیدیان و تأسیس تجارتخانه

جمشید بهمین که بعدها به ارباب جمشید جمشیدیان شهرت یافت به سال ۱۲۶۷ قمری (۱۸۵۰م) در یزد به دنیا آمد.^{۴۲} از نحوهٔ معیشت و شرایط خانوادگی وی آگاهی چندانی در دست نیست جز آن که در اوان کودکی نزد خیاطی شاگردی می‌کرد^{۴۳} و در یازده سالگی به دستگاه بازرگانی ارباب رستم مهربان راه یافت. او پس از چندی به شعبهٔ تجارتخانه در بروجرد و متعاقب با آن تهران عازم گردید.^{۴۴} در تهران، زرتشتیان بسان ارامنه که کاروانسرای خاص داشتند «در سرای درازی دادوستد می‌کردند که بالای سردر اغلب دکان‌های آن تصاویری از صحنه‌های شاهنامه فردوسی نقاشی شده بود».^{۴۵}

جمشیدیان که نخست به عنوان کارمند در تجارتخانه ارباب رستم - واقع در سرای مشیرخولت - اشتغال داشت، پس از چندی با قراردادی هفت ساله، وکالت آن را به دست آورد. در این مدت به واسطهٔ حسن خدمت و کاردانی وی گسترش حوزهٔ فعالیت تجارتخانه از امور تجاری و صرافی به پیشکاری و گمرکات نتایجی دوسویه به همراه داشت. از طرفی او را نزد اعیان و اشراف، اعضای دیوانسالاری و خاصه درباریان نامبردار ساخت و از دیگر سو ارباب رستم را که از گسترش تجارتخانه بیمناک بود، به عدم تمدید قرارداد سوق داد.^{۴۶}

بدین ترتیب اتمام قرارداد مذکور، فصل نوینی در حیات اقتصادی جمشیدیان گشود. دربارهٔ زمان تأسیس تجارتخانه وی دعوی برخی از پژوهشگران - که آن را مربوط به ۱۳۰۴ قمری (۱۸۸۷م)

۴۰. گذشته از تأسیس مدرسه در تهران، بر اثر اقدامات کیخسرو جی در یزد و کرمان نیز مدرسی تأسیس شد.

۴۱. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه عبدالله کوثری (تهران: پایپروس، ۱۳۶۸)، ص ۱۱۵.

۴۲. اشیدری، ص ۳۷۸.

۴۳. خسرو معتضد، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران (تهران: جاززاده، ۱۳۶۶)، ص ۶۴۰.

۴۴. رشید شهردان، تاریخ زرتشتیان (فرزندگان زرتشتی) (تهران: فروهر، ۱۳۶۳)، ص ۴۳۳.

۴۵. ارنست اورسل، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۱۳۶.

۴۶. مطابق با اطلاعات موجود ارباب رستم پس از فراخوانی وی به یزد، سیصدوشصت تومان بابت حقوق هفت ساله به انضمام سه‌هزار تومان انعام و باغی با دوهزار و هشتصد ذرع زمین بدو بخشید. زارع، اردشیر. خاطرات اردشیر زارع (نسخه منتشر نشده: تهران: آرشیو کتابخانه یگانگی)، ص ۱۲۶.

دانسته‌اند^{۴۷} - با شواهد موجود همخوانی ندارد؛ نوشتار اردشیر زارع - به عنوان یکی از دو کارگزار مؤسسه - نیز حاوی تناقضی آشکار است. چنانکه از سویی رسمیت تجارتخانه جمشیدیان را در ۱۳۱۲ قمری (۱۸۹۴ م) دانسته و از دیگر سو اطلاعاتش مبین فعالیت مؤسسه پیش از این زمان است.^{۴۸} از این رو در رفع چنین تضادهایی ذکر دو نکته ضروری می‌نماید:

نخست: از قرائن چنین پیداست که جمشیدیان در سال‌های پایانی قرارداد خود با ارباب رستم اعتباری یافته و مستقلاً بنگاه صرافی در سرای مشیرخلوت داشته است.
دوم: توقف در فعالیت بنگاه ارباب رستم و شهرت و تبحر تدریجی جمشیدیان در امور صرافی، زمینه‌ای مساعد به گسترش تجارتخانه داد.

بدین ترتیب، پس از مرگ کیخسرو جی (۱۳۱۰ ق/ ۱۸۹۲ م) دومین فرستاده انجمن اکابر به ایران و جایگزینی اردشیر جی ایدلجی ریپورتر، فردی به نام آقا میرزا دینیار شهریار فروش همراه وی به تهران آمد که علاوه بر آشنایی با امور تجاری به واسطه تخصص در زمینه دفتری و صرافی به منصب منشی‌باشی بنگاه برگزیده شد.^{۴۹} همچنین از آنجا که بخشی از فعالیت مؤسسه مربوط به امور ملکی کشاورزی بود، اردشیر زارع^{۵۰} نیز با اختیارات تام مسئول رسیدگی به امور زراعی گردید.
با چنین مقدماتی، بنگاه جمشیدیان که از حیث سرمایه و اعتبار، وجهتی نزد درباریان و اعیان یافته بود به پیشنهاد اردشیر زارع «تجارتخانه جمشیدیان» (۱۳۱۲ ق/ ۱۸۹۴ م) نام‌گذاری شد. این تجارتخانه که تا ۱۳۳۱ قمری (۱۹۱۴ م) فعالیت داشت به حدی از گستردگی رسید که در نواحی‌ای چون مازندران، گیلان، قزوین، همدان، آستارا، آذربایجان، ارومیه، سلماس، سقز، بانه، کردستان،^{۵۱} کرمانشاهان، لرستان، عراق، اصفهان، یزد، کرمان، قم، کاشان، شیراز، کازرون، بوشهر، بندرعباس، خوزستان، بیرجند، سیستان، قوچان، خراسان، استرآباد، سمنان و دامغان اقدام به ایجاد نمایندگی و یا شعبه کرد. همچنین با توسعه تجارت برون‌مرزی در کشورهای روسیه، هند، فرانسه (پاریس)، لهستان، ترکیه (استانبول)، گرجستان، انگلیس (لندن)، آلمان، چین، ژاپن، آمریکا، برزیل،

۴۷. سهیلا تریبی فارسانی، *تجار، مشروطیت، دولت مدرن* (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۸۴)، ص ۷۵.

۴۸. همچنین او با اذعان به اتمام قرارداد جمشیدیان تا اواخر ۱۳۱۰ قمری (۱۸۹۲ م) اعتبار شخصی وی را شش هزار تومان دانسته و حتی بر آن است که هفتاد هزار تومان پیشکش سعدالملک و نظام‌السلطنه برای دریافت حکومت شیراز، بندر و گمرک بوشهر و بندر عباس را به شاه تقدیم و شهرتی خاص یافته است. زارع، ص ۱۲۶.

۴۹. زارع، ص ۱۲۶.

۵۰. از زرتشتیان یزدی که چندی را در هند به سر برده و به منظور همبازی با کیخسرو جی از سوی انجمن اکابر به ایران اعزام شده بود. وی نقش قابلی در توسعه تجارتخانه داشت و خاطراتی از خود به جای گذاشته است.

۵۱. منظور سنج است.

مصر، تاتارستان، کلکته، کراچی، سورت، مغولستان، مسقط، عمان، بصره و بغداد نیز دفاتر بازرگانی گشود.^{۵۲}

نحوه و حوزه‌های کارکرد تجارخانه

مبتنی بر داده‌های موجود، جمشیدیان ضمن ایفای نقشی نظارتی بر تجارخانه، عمده‌محور اداره امور را به متولیان دو بخش تجاری و ملکی واگذار کرده بود که با استقلال از یکدیگر عمل می‌کردند.

الف: بخش تجاری

مشارکت در خرید و فروش مناصب

با گسترش خرید و فروش مناصب حکومتی، بخش مهمی از درآمدزایی دربار و صرافان بزرگ از این طریق فراهم می‌آمد. به عنوان نمونه، ناصرالدین شاه در قبال حکومت بنادر جنوب و فارس «هشتاد هزار تومان تعارف مطالبه می‌کرد، صدراعظم خواهان ده هزار تومان، وزرای دیگر هم به فراخور حالشان چهار پنج هزار تومان، صاحبخانه و فراشخانه دو سه هزار تومان، پیشخدمت آبدارخانه یکی دو هزار تومان، خواجه‌سرایان و بانوان حرم هر کدام هزار تومان و چهارصد - پانصد تومان دریافت می‌کردند».^{۵۳}

در این میان صرافی‌هایی چون جمشیدیان با استفاده از نفوذ خود، در مقام واسطه برای تأمین پول مورد نیاز عمل می‌کردند. چنانکه پس از عقد قرارداد و دریافت قبض به اسم فردی خاص یا احاله بدهی تعارفات به تجارخانه، سوای پیشکشی شاه که نقدی پرداخت می‌گردید، دیگر حواله‌جات یکی دو ماهه مدت‌دار بود. تجارخانه از زمان ارائه قبض اعتبار به متقاضی، تنزیل محسوب می‌داشت. حال آنکه قبض حواله‌شده فرجه‌دار در دفتر حساب جاری ثبت و تومانی یک شاهی تا نیم شاهی تفاوت حق صرافی محسوب می‌شد. همچنین در فضای بی‌اعتمادی به تأیید احکام و نیز نقد قبوض مدت‌دار تا یکی دو ماه بعد، صاحب حواله با کسر تومانی یک قران - دو قران برای فرجه، آن را به تجارخانه داده و رسید طلب به اسم خود می‌گرفت.^{۵۴}

علاوه بر عواید ناشی از بهره‌چنین وام‌هایی، قسم دیگری از درآمد تجارخانه را برات‌های حکومتی تشکیل می‌داد. عمال مرکزی با آگاهی از سطح درآمد حکام به عناوینی چون مالیات و

۵۲. زارع، ص ۲۵۰.

۵۳. همان، ص ۱۲۸.

۵۴. همان، ص ۱۲۹.

مستمری جیره و علیق، قبوضی به نام افراد صادر می کردند تا از حاکم منطقه‌ای خاص وصول نماید. در این موارد نیز بعد از کسر حق امضای شاهانه و تومانی یک قران به عنوان موجب مستوفی، دارنده حواله که علاوه بر بعد مسافت، اطمینانی به نقد سریع آن نداشت، قبض را با صرافی مورد اعتماد حکومت معامله می کرد. به عنوان مثال برات را از قران تومانی دو تا چهار تومان به تجارتخانه فروخته می شد و جمشیدیان مبتنی بر روابطش با دربار به ازاء هر تومان، یک قران تا سی شاهی به نفع حکومت کسر و هشت قران به نفع خود برداشت می کرد.

بدین ترتیب اگر آمار و ارقام مذکور صرفاً درباره مالیات فارس و بنادر - که سالانه دویست الی سیصد هزار تومان بود - محاسبه شود، در مقابل تمامی قبوض صادرشده، تومانی دو قران حاکم محل کسر می گذارد. سه قران صاحب حواله دریافت می کرد، ده شاهی تنزیل چندماهه محسوب می گردید و «سالی اقلأ یکصدوپنجاه هزار تومان»^{۵۵} مداخل تجارتخانه بود.

عواید ناشی از گمرکات

یکی دیگر از مبانی درآمد جمشیدیان را عواید گمرکات تبریز، رشت، کرمان، یزد، بوشهر و بندرعباس تشکیل می داد که با ضمانت و به طور اقساط از طرف تجارتخانه به حساب حکومت واریز می شد. چنانکه از بابت پول گمرکی، تومانی چهار عباسی صرف برات بندرعباس به تهران می شد که تجارتخانه در قبال واردات جنس برای تاجر خارج از کشور حواله می داد و «تومانی یک قران سی شاهی دخل جنس مال التجاره بود که از این راه هم سالی اقلأ یکصدهزار تومان بر عایدات می افزود.»^{۵۶} علاوه بر این، با لحاظ گستردگی گمرکات طرف حساب با تجارتخانه، از مناطق یزد، کرمان عراق، لرستان، اصفهان، فارس، همدان، رشت و مازندران سالانه حدود یک کرور تومان نصیب جمشیدیان می گردید.

کارسازی در خرید القاب

از آنجا که همپای مناصب، القاب نیز مکملی بر تحکیم موقعیت اجتماعی و سیاسی به شمار می رفتند، روابط نزدیک جمشیدیان با دربار، مؤسسه او را به یکی از مراجع حکام و دیوانسالاران جویای نام و نشان درآورد. چنانکه پس از وصول چندین هزار تومان برات متقاضی به تجارتخانه، نفوذ مالی جمشیدیان در اجزای حکومتی دریافت القاب مورد نظر را ممکن می ساخت. بر این اساس منشی‌باشی صدراعظم - خاصه در صدارت امین‌السلطان - که برای رتق و فتق امور ماهانه ده تومان

۵۵. همان، ص ۱۳۰.

۵۶. همان، ص ۱۲۰.

از تجارتخانه موجب دریافت می‌کرد حکمی را دست‌نویس کرده، با استفاده از اعتماد صدراعظم و حجم بالای فرمان‌ها، آن را ضمن سایر احکام به تأیید می‌رساند.^{۵۷}

ب: امور ملکی

خرید و فروش اراضی مزروعی

در کنار امور صرافی، خرید و فروش زمین به انضمام تصرف املاک امانی، نه تنها تجارتخانه را از عواید سرشاری بهره‌مند ساخت که جمشیدیان را در عرصه زمینداری نیز شهرتی خاص بخشید. عمده فعالیت‌های ملکی تجارتخانه طی دوران ریاست اردشیر زارع (۱۳۲۷-۱۳۱۲ق) رخ نمود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر استناد جست: هشتصد و سی هزار ذرع از اراضی امیرآباد که بعداً به جمشیدآباد (جمشیدیه) تغییر نام یافت،^{۵۸} روستاهای شریف‌آباد در راه قم،^{۵۹} قراتپه واقع در بلوک شهریاری،^{۶۰} فزون‌آباد، کج‌آباد و برآباد ورامین، شریف‌آباد، گلستانک، زرنده، باغ شاهی در دماوند، باغ امامزاده قاسم، وهن‌آباد و علی‌آباد در بلوک فشافویه،^{۶۱} قلعه کش در آمل، دارند در ورامین، قنبرآباد، محمودآباد، بخشی از اراضی تجریش و سعدآباد،^{۶۲} و پارک اتابک.^{۶۳}

علاوه بر این، در کنار سود حاصله از خرید و فروش اراضی و املاک مذکور، بخش دیگری از عواید تجارتخانه را تصرف اراضی رهنی تشکیل می‌داد. چنانکه متکی بر کارکرد نهاد صرافی در پرداخت وام با بهره‌های گزاف - که بالطبع تعویق یا عدم توانایی در بازپرداخت را محتمل می‌نمود - رهن املاک، نه تنها تضمینی بر انجام به موقع تعهدات بود،^{۶۴} که در صورت تأخیر از موعد مقرر، صراف را مجاز به تصرف آنها می‌ساخت. در مجموع، برآیند خرید و فروش املاک و تصرف اراضی رهنی، تجارتخانه را بدان حد از غنای مالی رساند که حداقل سالانه دوهزار خروار گندم از

۵۷. همان، ص ۱۵۱.

۵۸. بر خلاف نظر منوچهر ستوده، ارباب جمشید اراضی مذکور را در سال ۱۳۱۶-۱۳۱۷ قمری از همدم السلطنه همسر جلال‌الدوله و نه فرمانفرما به مبلغ یکصدویازده هزار تومان خریداری و پس از احتساب سه سال مخارج و قطعه‌بندی سیصدونهم هزار تومان فروخت، نک: منوچهر ستوده، جغرافیای تاریخی شمیران، ج ۱ (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ص ۳۱۵-۳۱۴؛ زارع، ص ۱۳۹.

۵۹. خرید: ۱۳۱۰ قمری از ملک‌التجار هیجده هزار تومان؛ فروش: ۱۳۱۲ قمری به معین‌الدوله، سی هزار تومان.

۶۰. خرید: ۱۳۲۱ قمری از معیرالممالک دوازده هزار تومان؛ فروش: سی هزار تومان.

۶۱. خرید: ۱۳۲۱ قمری هشتاد هزار تومان؛ فروش: به مشیرالدوله، یکصد و پانزده هزار تومان.

۶۲. همان، ص ۱۴۲-۱۳۹.

۶۳. امین‌السلطان دویست و چهل هزار تومان به تجارتخانه مقروض بود و این پارک را زارع از شیخ فضل‌الله نوری، وکیل ورثه

او، به مبلغ سیصد هزار تومان با کلیه وسایل موجود خریداری کرد، نک: زارع، ص ۱۶۰.

۶۴. برای نمونه می‌توان به اختلاف جمشیدیان با ورثه آصف‌الدوله اشاره کرد؛ امینی، ص ۱۲۵-۱۲۴.

املاک تهران عایدی داشت و همواره «چندین دلال برای مبادله املاک و گرو بیع شرعی حضور داشتند».^{۶۵}

مصونیت مال التجاره جمشیدیان از غارت بین‌راهی

در شرایطی که عوارض گمرکی و زیاده‌ستانی‌های حکام از مهم‌ترین مصائب تجار در حوزه‌های شهری به شمار می‌رفت، ناامنی راه‌ها - خاصه در مواقع ضعف سیاسی - خطری جدی بر توسعه بازرگانی بود. در این میان روابط مطلوب جمشیدیان با دربار گذشته از حفظ و فزونی عواید، مال‌التجاره او را نیز از دستبرد دزدان بین‌راهی مصون می‌داشت. چرا که حتی معروف‌ترین راهزنان - که عمدتاً از ایلات بودند - نیز علاوه بر داشتن نقدینه‌هایی در تجارتخانه، به منظور حفظ روابط با حکومت مرکزی - به ویژه مواقع گرفتاری در حوزه‌های شهری، احترام خاصی برای جمشیدیان قائل بودند. مبتنی بر چنین ضروریاتی، کاروان‌های تجاری جمشیدیان که بیشتر حامل مقادیر معتابیهی پول نقد بودند، بدون احساس خطر در جاده‌ها رفت‌وآمد داشتند.^{۶۶}

جمشیدیان و اقدامات عام‌المنفعه

با آن که خصائصی چون امانت‌داری، توانمندی مالی و روابط مطلوب با دربار، جمشیدیان را شهرتی خاص می‌بخشید اما از حیث دینی همواره خطوط مستحکمی مانع از پذیرش اجتماعی اقلیت زرتشتی در میان اکثریتی مسلمان بود.^{۶۷} از این‌رو ضمن فعالیت‌های عمرانی و بعضاً صنعتی که از تجار در منابع راه یافته، اقدامات خیرخواهانه جمشیدیان را می‌توان توأم با تلاش در کسب مشروعیت دانست. چنانکه بنا بر اسناد موجود چنین دهش‌هایی در چهار دسته قابل شناسایی است.

الف: حمایت مالی از مراسم مذهبی مسلمانان

تأمین مخارج تعمیر تکیه و روضه‌خوانی در قلعهک شمیران، تکیه و روضه‌خوانی در رستم‌آباد، روضه‌خوانی در سعدآباد و دربند، روضه‌خوانی و احداث راه آب روان در تکیه بافره و اوین، روضه‌خوانی

۶۵. زارع، ص ۱۴۲.

۶۶. همان، ص ۱۴۷.

۶۷. بیشتر سیاحان خارجی در بازدید خود از یزد به عنوان مهم‌ترین کانون زرتشتی‌گری ایران، بخش قبل توجهی از نوشتار خود را به رفتار مسلمانان با زرتشتیان اختصاص داده‌اند. برای نمونه از این‌گونه شواهد که مربوط به چند سال پیش از مشروطیت است، نک: Napier Malcolm, *Five Years in a Persian Town* (New York: ep Dutton, 1907), p. 45-46.

در محله دولت، روضه‌خوانی در محله محمدیه، پرداخت وجوهاتی بابت خمس و زکات مسلمانان، تعارفات به علماء اسلام، سفر به مشهد و کربلا و عروسی فقرا که در مجموع بالغ بر سی‌ویک‌هزار و هفتصدوپنجاه تومان می‌شد.

ب: فعالیت‌های عمرانی

ساخت حمام نیاوران شمیران، آب‌انبار عمومی مقابل سفارت انگلیس، آب‌انبار عمومی خیابان ارباب جمشید، آب‌انبار عمومی دروازه دولت، پل عمومی دروازه گمرک و تسطیح راه امامزاده داوود. مجموعاً دوازده‌هزار و یکصدوچهل تومان.^{۶۸}

ج: همیاری با مشروطه‌خواهان

تأمین مخارج مشروطه‌طلبان به هنگام تحسن در سفارت عثمانی،^{۶۹} مخارج تحسن در سفارت انگلیس،^{۷۰} کمک‌خرج انجمن آزادی ملت ایران. جمع: هفده‌هزار و ششصدوهشتاد تومان.

د: حمایت مالی از زرتشتیان

ساخت مدرسه پسرانه زرتشتی همدان، مخارج مجلس عبادت و مواجب مخارج موبد برای امورات زرتشتیان، عمارت مسافرخانه زرتشتیان در کاشان. جمع: هفده‌هزار و نهصدوهفتاد تومان.^{۷۱} البته این مخارج مربوط به تهران بوده و از هزینه‌های نمایندگی‌ها و ادارات دیگر شهرها اطلاعات دقیقی در دست نیست.

اختلال تدریجی در امور تجارتخانه

تجارتخانه جمشیدیان با همه فعالیت‌هایی که داشت، نتوانست موفق باشد. به عنوان نمادی از عدم موفقیت این تجارتخانه در گذار به بانکداری نوین، عمدتاً بر رقابت روس و انگلیس در تسلط بر اقتصاد ایران و اقدامات ایذایی بانک استقراضی به عنوان دلایلی بر افول تجارتخانه جمشیدیان تأکید شده است. با این حال و در کنار عوامل یادشده - که بدان پرداخته می‌شود - موارد دیگری را نیز می‌توان دخیل دانست.

۶۸. زارع، ص ۲۵۰.

۶۹. ایرج افشار، «مخارج تحسن در سفارت عثمانی»، آینده، سال ۶ ش ۵ ص ۴۵۱-۴۵۲؛ اسماعیل امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، (تبریز: کتابفروشی تهران، ۱۳۳۹)، ص ۴۷۹.

۷۰. جمشیدیان از طریق حاج محمدتقی بنکدار مبلغ هشت هزار تومان به متحصنان یاری رساند، نک: کاتوزیان تهرانی، مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹)، ص ۲۱۰-۲۰۹.

۷۱. زارع، ص ۲۵۱-۲۵۰.

مشروطیت و تجارتخانه جمشیدیان

با ظهور و بروز جنبش مشروطه‌خواهی از متن جامعه ایران، زعمای زرتشتی همراهی با آن را گامی در کسب مشروعیّت عمومی یافتند. چنانکه اقدام جمشیدیان و خاصه پرویز شاهجهان در توزیع سلاح میان آزادی‌خواهان،^{۷۲} تأمین بخشی از هزینه‌های متحصنان در سفارت عثمانی و انگلیس به همراه کمک‌های مالی به انجمن آزادی ملت ایران را می‌توان در همین راستا مورد توجه قرار داد. به هر روی، گرچه تشدید تقابل حکومت و مشروطه‌خواهان، قتل پرویز شاهجهان و عدم اطمینان به سرانجام جنبش، حضور جمشیدیان در امور جاری را کمرنگ می‌ساخت، اما این همه به مفهوم انفعال او در عرصه سیاسی نیست.

استقرار نظام پارلمانی و تدوین قانون اساسی که تمام مردم را در مقابل قانون دولتی برابر می‌دانست،^{۷۳} زمینه‌ای فراهم آورد تا برای نخستین بار - در تاریخ ایران پس از اسلام - اقلیت‌های دینی به مهم‌ترین کانون قانونگذاری راه یابند. از این‌رو زرتشتیان بر خلاف دو اقلیت عیسوی و یهودی که حق وکالت خود را به سیدین سندین - طباطبایی و بهبهانی - واگذار نمودند، به هر طریق توانستند ارباب جمشید را به نمایندگی خود در مجلس شورای ملی برگزینند.^{۷۴}

با آن که در نخستین دوره مجلس تجار از نفاذ کلام بالایی برخوردار بودند، اما متکی بر عوامل پیش‌گفته و نیز فقدان تجربه مشارکت در مسائل سیاسی، از جمشیدیان جز در رابطه با تأسیس بانک ملی سخنی مطرح نیست. در واقع سابقه وی در امور صرافی باعث گردید تا وی همپای تجاری نظیر امین‌الضرب، حاج باقر صراف تبریزی، تومانیانس و محمد اسماعیل تبریزی، تجارتخانه خود را به محلی برای خرید قبوض سهام در آورد.^{۷۵} اما شکست طرح مذکور،^{۷۶} تندروی انجمن‌ها در

۷۲. فرهنگ مهر، سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطیت ایران، (اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۸)، ص ۱۳.

۷۳. بر اساس بند هشتم قانون اساسی تمامی اهالی ایران در مقابل احکام دولتی مساوی بودند که این موضوع ناقض رأی علما در عدم تساوی مسلم و کافر در دیه و حدود بود، نک: احمد کسروی، تاریخ مشروطیت، ج ۲، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹)، ص ۳۱۵.

۷۴. میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش ۱، ج ۳، (تهران: آگاه، ۱۳۶۱)، ص ۵۸۳؛ «فارسیان ایران»، روزنامه تربیت، سال ۹، ش ۴۱۷، ۲۹ شعبان ۱۳۲۴، ص ۲۲۵۳-۲۲۵۲.

۷۵. حیل‌المتین (کلکته). تهیه و تنظیم عنایت‌الله رحمانی. ج ۱۱ (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳). ص ۱۴، ش ۲۱-۲۲، ذی‌قعدة ۱۳۲۴. ص ۶؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، بخش ۲، ج ۴، ص ۲۰-۱۹؛ ایرج افشار، اوراق تازه‌یاب مشروطیت مربوط به سالهای ۱۳۲۵-۱۳۳۰ قمری (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۹)، ص ۳۹۶.

۷۶. پس از ختم غائله سردار و سالار ملی یکصد و شصت و سه هزار تومان از اموال جمشیدیان به غارت رفت، نک: زارع،

با جگیری از افراد متمول،^{۷۷} گسترش اختلال در ساختار اقتصادی، و غارت پارک اتابک در ماجرای فتح تهران^{۷۸} منجر به انفعال سیاسی جمشیدیان و تأکید بر حفظ روابطش با دربار گردید. چنانکه پس از ماجرای به توپ بستن مجلس نه تنها مورد غضب شاه قرار نگرفت که طی فرمانی (ذیحجه ۱۳۲۶ق) به ریاست مخزن نظامی منصوب^{۷۹} و تا ده سال عهده‌دار آن بود.^{۸۰}

آشفته‌گی در مدیریت داخلی

مبتنی بر توسعه روزافزون مؤسسه که بالطبع از دخالت مستقیم جمشیدیان در جزئیات امور می‌کاست، برقراری و حفظ انسجام یا اختلال در نظم داخلی، ارتباط خاص با نحوه کارکرد دو بخش تجاری و ملکی داشت.

همگام با ثبات سیاسی ایران - در قیاس با اوضاع پس از مشروطیت - و نفوذ جمشیدیان در طبقات عالی سیاسی-اقتصادی، ریاست میرزا دینیار سروش و اردشیر زارع فرصت مناسبی برای گسترش تجارتخانه فراهم آورد. اما به دنبال مرگ دینیار و جایگزینی ملا بهرام (۱۳۲۴ق) مدیریت املاک نیز به میرزا سیاوش انتقال یافت. چنین تغییراتی که نهایتاً به انتصاب میرزا گشتاسب - برادر زن ارباب - در مقام منشی‌باشی، میرزا سیاوش به محاسبی املاک و میرزا بهرام به سرمبشری انجامید بر افت تدریجی تجارتخانه تأثیرگذار بود.^{۸۱}

بروز اسرار تجاری توسط شاه بهرام و شرایط نخستین سال‌های مشروطیت باعث شد تا برجسته‌ترین رقبای جمشیدیان چون سید نصرالله تهرانی، امین‌التجار کردستانی، حاجی محمدتقی بنکدار، و ملک‌التجار^{۸۲} با شایعه ورشکستگی تجارتخانه و بالطبع ترغیب مشتریان به خروج سرمایه خود، مؤسسه را تا مرز سقوط به پیش برند. علاوه بر این، عدم دلبستگی و تخصص کارگزاران جدید به اداره امور - آن هم در شرایط بحرانی پس از مشروطه - انتصاب افرادی فاقد صلاحیت در شعبات را به همراه آورد. چنانکه از نامه‌های ارسالی به شاه بهرام و از جمله نامه کارگزار تجارتخانه

۷۷. ارباب جمشید نیز از این باجگیری در امان نماند چنانکه ده هزار تومان از او گرفتند، نک: کتاب نارنجی، مجموعه مقالات سیاسی، گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۲، به کوشش احمد بشیری (تهران: نور، ۱۳۶۶)، ص ۲۱۹.

۷۸. زارع، ص ۱۶۳.

۷۹. اشیدری، ص ۳۷۹.

۸۰. روزنامه چهارمنما، ج ۴، تهیه و تنظیم عنایت‌الله رحمانی (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۴)، س ۱۴، ش ۳۹.

ص ۱۱.

۸۱. زارع، ص ۱۶۲.

۸۲. همان، ص ۱۶۰.

در رشت (مورخ ۱۳۲۸ق) می‌توان به نمایی از شرایط موجود پی برد. در یکی از نامه‌ها نگارنده نامه ضمن گلایه از عزل و فراخوان دفتردار خود به تهران می‌نویسد:

هیچ سزاوار نبود که در این موقع به حرف و قول و تحریک یک نفر طفل ... چنین کاری را بدون اطلاع و خبر انجام دهید. جنابعالی باید به خیال عالی و رأی مستقیم خودتان کار کنید نه آنکه عقل و رأی ناقص فاسد یک نفر طفل ... را که خودتان بهتر می‌دانید و می‌شناسید به کار بندید ... (نقطه‌چین‌ها متعلق به اصل است)». وی هم چنین در شرح خیانت دفتردار برآست «... از تجارتخانه پول گرفته که جمع بنده بیرون نوشته‌اند. مبلغی هم متدرجاً از خود بنده گرفته و دفعه به دفعه قبض داده است ... میرزا و دفتردار هم محرم و امین اداره است ... خیانت و تقلبی از این بالاتر می‌شود. میرزا و دفتردار در حین محرمیت و امینی چنین خیانتی را بنماید ...^{۸۳}

کارشکنی بانک استقراضی و شاهی

بی‌ثباتی ناشی از حوادث استبداد صغیر و فتح تهران، ناامنی را بدان حد گسترش داد که نه تنها ملاکان قدرت ضبط محصول خود را نداشتند بلکه انسداد مرآده میان تجارتخانه‌ها و ولایات بخش عمده‌ای از املاک تجار را نیز در معرض غارت اشراق قرار داد. با شیوع باج‌خواهی انجمن‌ها، بالطبع تجار و بنگاه‌هایی چون جمشیدیان برترین مرجع برای وام‌گیری با بهره‌های کلان به شمار می‌رفت. البته هرچند پرداخت وام بخش مهمی از کارکرد مالی تجارتخانه را تشکیل می‌داد، اما در فقدان ثبات و امنیت، نه مقروضین توان بازپرداخت داشتند و نه در تأدیة آن هیئت حاکمه‌ای قدرتمند یافت می‌شد. در این بین، تجارتخانه جمشیدیان که تحت مدیریت کارگزاران جدید و بدون لحاظ جوانب احتیاط از بانک‌های استقراضی و شاهی وام‌هایی مدت‌دار (۴٪ از بانک استقراضی و ۸٪ از بانک شاهی)^{۸۴} گرفته بود، توان بازپرداخت را از دست داد.^{۸۵}

با سررسید وام‌های دریافتی و بهره‌های کلان آنها،^{۸۶} بانک استقراضی که در پی دستاویزی برای اخراج رقیب از گردونه بود، بدون اطلاع و «به رغم داشتن تأمین تجارتخانه»،^{۸۷} نخست شعبات

۸۳. علی اکبر تشکری بافقی، «نامه کارگزار تجارتخانه جمشیدیان در رشت به شاه بهرام در تهران»، ۱۳۳۹ قمری. اسناد آرشیو شخصی.

۸۴. شهردان، ص ۴۴۴.

۸۵. زارع، ص ۱۶۴.

۸۶. بدهی تجارتخانه به بانک استقراضی شامل دو فقره بود. هشتصد و هفتاد و دو هزار و سیصد و هفتاد و نه تومان و در قسم

دوم پانصد و هفده هزار و سیصد و چهل تومان، روزنامه چهره‌نما، ص ۱۳.

۸۷. چهره‌نما. ۱۳۸۵، ج ۴، س ۱۴. ش ۳۹، ص ۱۰.

کرمان، همدان، رشت و سپس اصفهان، یزد، شیراز و تهران را از فعالیت باز داشت. چنین اقدامی علاوه بر آن که سه کرور تومان به تجارتخانه خسارت زد فرصتی نیز به بدهکاران بخشید تا با استفاده از شرایط موجود، پرداخت معوقات را به فراموشی سپارند.

بدین ترتیب جمشیدیان که خود را در تنگنای بانک روس می‌دید با اعلام ورشکستگی، در خانه علاءالسلطنه نخست‌وزیر وقت متحصن شد و دولت قول به مذاکره با سفارت روس داد.^{۸۸} در نهایت مقرر گردید با حضور نمایندگان سفارت روس و انگلیس دعوی دو طرف مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بدین منظور کمیسیونی در وزارت خارجه منعقد شد (۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م) که در آن علاوه بر نمایندگان مذکور افرادی چون حاجی سید نصرالله، حاجی شیخ اسمعیل رشتی، ذکاءالملک، حکیم‌الملک، مهندس‌الممالک، معین‌التجار بوشهری و کیخسرو شاهرخ به عنوان نماینده تجارتخانه^{۸۹} شرکت داشتند.

کمیسیون طی مذاکراتی که انجام داد، پس از بررسی اولیه دعوی طرفین، نظرات خود را در پنج بند به هیئت دولت ارائه نمود: «رسیدگی به صحت کلیه صورت دادوستد و دارایی ارباب جمشید، ترتیب اصلاح عمل بانک استقراضی به ارباب و طریق تأدیه آن، نقشه وصول مطالبات ارباب جمشید، ترتیب تأدیه مطالبات ارباب جمشید و نقشه اداره کردن مشارالیه امور خود را».^{۹۰} از محتوای مذاکرات چنین برمی‌آید که بانک به دلیل فروش املاک تأمین خود توسط جمشیدیان، انسداد دارائی‌های او را قانونی می‌دانست.^{۹۱} حال آن که جمشیدیان با رد هرگونه کسر و کاهشی در آنها، مدعی اعتبار در قبال بدهی بود. از آنجا که کل اراضی تأمین ارباب جمشید در ساوه - که در قبال یکصد و هفتاد هزار تومان به بانک تأمین داده بود- موجود بود، بانک فروشی قناتی معروف به شورجه - نزدیک شاهسون - را دستاویز ساخت که آن هم سرانجامی نیافت^{۹۲} و اعضاء کمیسیون ضمن رد استدلال بانک، جبران خسارت از جمشیدیان را ضروری دانستند.^{۹۳}

۸۸. کیخسرو شاهرخ، *خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ*، به کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتر. ترجمه غلامحسین میرزاصالح (تهران: مازیار، ۱۳۸۱)، ص ۷۴؛ مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه)، *خاطرات سیاسی فرخ*، به اهتمام پرویز لوشایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷)، ص ۲۱۴.

۸۹. چهرنما، ص ۱۴-۱۳.

۹۰. همان، ص ۱۴-۱۳.

۹۱. سازمان اسناد ملی، «ضبط املاک و مستغلات ارباب جمشید به دلیل بدهی‌های وی به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی»، سند مورخه ۱۲۹۹ ش، شماره ۲۳۰۰۰۶۱.

۹۲. زارع، ص ۱۶۴.

۹۳. چهرنما، ص ۱۵-۱۴.

بخش دیگر از دعاوی بانک مربوط به ششصد هزار تومان بدهی تجارتخانه بابت اسناد تضمینی بود. بخشی از این اسناد به ضمانت یک ساله و بعضاً شش ماهه رجال دولتی و تجار در بیست و سه سال پیش بازمی‌گشت و مابقی تضمین مالی دولتمردان پیش از سلطنت محمدعلی شاه بود. در پاسخ، جمشیدیان ضمن تأکید بر زمان یادشده، دعوی بانک را به دلیل عدم احضار و یا حتی اطلاع‌رسانی به تجارتخانه ناموجه خوانده، و در نتیجه افزایش سود نزولی سالانه بر آنها را غیرقانونی دانست.

به هر روی، پس از بررسی دعاوی مذکور، کمیسیون چنین اعلام نظر کرد:

چون بانک این مدت هیچ اطلاعی به تجارتخانه نداده است، مدتی دیگر را باید به تجارتخانه مهلت بدهند، آن هم بدون فرع تا سی سال اقساط مستهلک تغذیه نمایند. و چون مبلغ کلی از این بدهی که جمشیدیان ضمانت کرده بر عهده وزراء دولت و اشراف مملکت است دولت هم باید ضمانت تجارتخانه را بکند و نیز بانک باید مبلغ پانصد هزار تومان نقداً به تجارتخانه جمشیدیان برساند.^{۹۴}

در مجموع هرچند نتایج حاصله معرف اقدامات غیرقانونی بانک بود اما نابسامانی اقتصادی ایران در آستانه جنگ جهانی اول، ناتوانی جمشیدیان در کسب مطالبات از مقروضان، دسایس برخی از دولتمردان در همدستی با روس‌ها^{۹۵} و حجم وسیع بدهی به بانک در عمل فرجامی جز ورشکستگی مؤسسه نداشت.

هم چنین دولت در قبال تکفل پرداخت بدهی ارباب به بانک شاهی^{۹۶} مابقی املاک او را نیز تحت کنترل گرفت که در این مورد نیز برخی افراد با حساب‌سازی‌های جعلی و یا در قبال مواجب، عواید حاصله را تباه کردند.

این همه که معرف عدم توانمندی و عزم دولتمردان در حمایت از اتباع خود در مقابل بیگانگان بود، همراه با قحطی و فقر اقتصادی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۱ قمری (۱۹۱۴-۱۹۱۳م)^{۹۷} در نهایت

۹۴. زارع، ص ۱۶۶؛ سازمان اسناد ملی «مطالبات بانک استقراضی و یکی از اتباع انگلیسی از ارباب جمشید و تشکیل کمیسیونی

جهت رسیدگی به آن و تقاضای رفع توقیف املاک ارباب جمشید»، سند مورخ ۱۳۳۱ ق، شماره ۱۰۸۹۹-۲۴۰۰.

۹۵. وثوق‌الدوله با دریافت مبالغی رشوه از روس‌ها قرض جمشیدیان را به عهده دولت انداخت. همچنین در قبال آزادسازی اراضی توقیفی تجارتخانه، دولت ایران متعهد گردید که تا پایان قراردادش با بانک حق فروش یا واگذاری نداشته باشد، نک: سیدمحمد کمره‌ای، روزنامه خاطرات سیدمحمد کمره‌ای، ج ۱، به کوشش محمد جواد مرادی‌نیا (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴)، ص ۵۸۶؛ چهره‌نما، ص ۱۴-۱۲.

۹۶. بدهی تجارتخانه به بانک شاهی دو بیست و دو هزار و سی هفت تومان و چهار قران بود، نک: چهره‌نما، ص ۱۳.

۹۷. فلوریدا سفیری، پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۴)، ص ۳۹.

تجارتخانه را با دو دهه فعالیت، به کام نابودی کشاند.

پس از آن، هرچند جمشیدیان تا ۱۳۱۱ شمسی حیات داشت^{۹۸} اما به فقر روزگار می‌گذرانید و کسی که «همیشه بر سر سفره‌اش بیست الی چهل نفر جمعیت نشسته و غذا می‌خوردند، حالا به تنهایی یک لقمه نان و پنیر زندگی می‌کرد. دیگر نه عیالش مایل به دیدارش بود و نه فرزندان به پدر نظری داشتند.»^{۹۹}

نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی بنا به دلایلی چند، محل توجه غرب قرار گرفت که از آن میان است، نیاز سرمایه‌داری صنعتی به تأمین مواد خام و کسب بازار فروش، و کارکرد تکنولوژی در گستره ارتباطات تجاری و تغییر مسیرهای مبادلاتی. بر این اساس، به رغم سابقه تاریخی ایران در ترانزیت کالا، نه تنها روابط سنتی آن با کشورهای همجوار آسیب‌پذیر گردید که از سوی نگرش استعماری غرب و از دیگر سو فقدان سیاست‌گذاری اقتصادی، گذار به سرمایه‌داری را با مشکل مواجه ساخت.

در ساختار مالی، پیوند تجارت و صرافی به یکدیگر و ضروریات برآمده از شرایط جدید مفاخرت آموزه‌های اسلامی با رباخواری و بالطبع مخالفت متولیان دینی را به توجیه شرعی از فعالیت صرافان کشانیده و حتی آنها را به عالی‌ترین سطوح اجتماعی ارتقا داد. در این میان زرتشتیان که به عنوان اقلیتی دینی توان برابری با اکثریت مسلمان را نداشتند متکی بر عواملی چون حمایت‌های انجمن پارسیان هند، موقعیت تجاری یزد و تعامل حکومتگران قاجار، به عرصه بازرگانی و صرافی راه یافتند. بدین ترتیب جمشید بهمن از کارمندی ساده به ریاست بر تجارتخانه‌ای ارتقاء یافت که با دو حوزه ملکی و تجاری در اکثر شهرهای ایران و حتی دیگر کشورها شعبه یا نمایندگی داشت. در چنین شرایط مطلوبی اگرچه امانت‌داری و حسن شهرت جمشیدیان درخور توجه می‌نمود، اما روابط مطلوب با دربار و خاصه حمایت‌های امین‌السلطان، رمز موفقیت وی در گسترش حوزه فعالیت و حتی حفظ مال‌التجاره از غارت دزدان بین‌راهی بود.

۹۸. شهردان، ص ۴۴۵.

۹۹. در اواخر عصر قاجار ارباب جمشید، پس از اعلام ورشکستگی، فاضل عراقی را به وکالت خود انتخاب کرد و به منظور معوق ماندن پرونده، مبالغی رشوه داد؛ اما با افزایش شکایت‌ها، دولت مجبور به رسیدگی شد و دادگاه در ۱۱ دی ۱۳۰۲ وی را محکوم به پرداخت مطالبات مردم کرد. وی و وکیلش را به جرم پرداخت رشوه بازداشت کردند. فاضل عراقی پس از دو ماه آزاد شد، اما ارباب جمشید مدتی در بازداشت به سر برد؛ ابراهیم صفائی، رهبران مشروطه، ج ۱ (تهران: جاویدان علمی، ۱۳۴۴)، ص ۶۴۴-۶۴۵؛ زارع، ص ۱۶۷.

در این بین تحولات مشروطه و روند حوادث پس از آن رویکردی دوسویه برای زرتشتیان داشت. شیوع بی‌ثباتی سیاسی به عرصه اقتصاد و کین‌خواهی مستبدان از آزادی‌خواهان که در قتل پرویز شاه جهان نمود یافت، مانعی بر تداوم همراهی با نهضت - که به قصد کسب وجاهت اجتماعی شکل یافته بود - گردید. از این رو گرچه بنابر اصل تساوی اهالی ایران در برابر قانون، جمشیدیان به نمایندگی از زرتشتیان به مجلس راه یافت اما روند حوادث منجر به انفعال تدریجی او و تجارتخانه‌اش گردید. این همه، در پیوند با عواملی چون اختلال در اداره تجارتخانه، گسترش ناامنی سرمایه از راه‌ها به حوزه شهری و دسیسه‌های بانک شاهی و خاصه استقراضی، مؤسسه جمشیدیان را به عنوان نمودی از عدم موفقیت ساختار اقتصادی در گذار به سرمایه‌داری با ورشکستگی مواجه ساخت.

کتابنامه

- اتحادیه، منصوره. *اینجا تهران است*. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۷.
- اشرف، احمد. *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*. تهران: زمینه، ۱۳۵۹.
- اشیدری، جهانگیر. *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*. تهران: ماهنامه هوخ، ۱۳۵۵.
- افشار، ایرج. *سواد و بیاض (مجموعه مقالات)*. تهران: کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۴.
- _____ . *اوراق تازه‌یاب مشروطیت مربوط به سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۳۰ قمری*. تهران: بی‌نا، ۱۳۵۹.
- _____ . «مخارج تحسن در سفارت عثمانی»، *آینده*، سال ۶ ش ۵ و ۶ ص ۴۵۴ - ۴۴۸.
- امینی، تورج. *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۳۳۸-۱۲۵۸ ش)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰.
- امیرخیزی، اسماعیل. *قیام آذربایجان و سارخان*. تبریز: کتابفروشی تهران، ۱۳۳۹.
- اورسل، ارنست. *سفرنامه قفقاز و ایران*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
- بامداد، مهدی. *شرح رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴*. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۷.
- «پارسی‌نامه: پارسیان نام آور و پرآوازه هند»، *فروهر*، سال دهم، ش ۵. ص ۲۲ - ۱۶.
- تاریخچه سی ساله بانک ملی ۱۳۳۷-۱۳۰۷*. تهران: بانک ملی ایران، ۱۳۳۸.
- تحویلدار، میرزا حسین خان. *جغرافیای اصفهان*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ترابی فارسانی، سهیلا. *تجار، مشروطیت، دولت مدرن*. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۸۴.
- جکسن، آبراهام. *سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)*. ترجمه منوچهر امیری و فریدون برده‌ای. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۳.
- جمال‌زاده، محمد علی. *گنج شایگان*. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۶۲.
- چهره‌نما. تهیه و تنظیم عنایت‌الله رحمانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۴.

حبل‌المتین (کلکته). تهیه و تنظیم عنایت‌الله رحمانی. ج ۴. ۱۱. ۲۲. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳.

حسینی فسائی، میرزا حسن. *فارسانامه ناصری*. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲. روشسوار، ژولین دو. *خاطرات سفر ایران*. ترجمه مهراں توکلی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۸. زارع، اردشیر. *خاطرات اردشیر زارع* (نسخه منتشر نشده). تهران: آرشیو کتابخانه یگانگی. سازمان اسناد ملی ایران. «مطالبات بانک استقراضی و یکی از اتباع انگلیسی از ارباب جمشید و تشکیل کمیسیونی جهت رسیدگی به آن و تقاضای رفع توقیف املاک ارباب جمشید». سند مورخه ۱۳۳۱ ش، ش ۲۴۰۰۱۰۸۹۹.

سازمان اسناد ملی ایران. «ضبط املاک و مستغلات ارباب جمشید به دلیل بدهی‌های وی به بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی». سند مورخه ۱۲۹۹ ش، ش ۲۳۰۰۰۰۶۱. ستوده، منوچهر. *جغرافیای تاریخی شمیران*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۱. سفیری، فلوریدا. *پلیس جنوب ایران*. ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۴. شاهرخ، کیخسرو. *خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ*. به کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتز. ترجمه غلامحسین میرزاصالح. تهران: مازیار، ۱۳۸۱.

شهمردان، رشید. *تاریخ زرتشتیان (فرزانگان زرتشتی)*. تهران: فروهر، ۱۳۶۳. _____ . *تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان*. تهران: چاپ راستی، ۱۳۶۰. صفائی، ابراهیم. *رهبران مشروطه*. تهران: جاویدان علمی، ۱۳۴۴. عیسوی، چارلز. *تاریخ اقتصادی ایران ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره، ۱۳۶۱. _____ . *تاریخ اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: پایپروس، ۱۳۶۸.

فرخ، مهدی (معتصم‌السلطنه). *خاطرات سیاسی فرخ*. به اهتمام پرویز لوشایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷. فلور، ویلم. *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. ج ۲. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس، ۱۳۶۵.

کاساکوفسکی. *خاطرات کنل کاساکوفسکی*. ترجمه عباسقلی جلی. تهران: کتاب‌های سیمیرغ. ۱۳۵۵. کاظم‌زاده، فیروز. *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

کتاب نارنجی، مجموعه مقالات سیاسی، گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران. به کوشش احمد بشیری. تهران: نور، ۱۳۶۶.

کرزن، جرج. *ن. ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴. کِرگِر، سی. ام. مک. *شرح سفری به ایالت خراسان*. ترجمه مجید مهدی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

کسروی، احمد. *تاریخ مشروطیت*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.

کمره‌ای، سیدمحمد. روزنامه خاطرات سیدمحمدکمره‌ای. به کوشش محمد جواد مرادی‌نیا. تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.

کوزتسوا، ن. آ. اوضاع سیاسی و اقتصادی اجتماعی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: نشر بین‌الملل، ۱۳۵۸.

کاتوزیان تهرانی. مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.

گویینو، کنت دو. سه سال در ایران. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: فرخی، بی‌تا.

محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۴۲.

معتضد، خسرو. حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. تهران: جاززاده، ۱۳۶۶.

مهدوی، اصغر و ایرج افشار. یزد در اسناد امین‌الضرب. تهران: فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۸۰.

مهدوی، شیرین. زندگی‌نامه حاج محمدحسن کمپانی. ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۹.

مهر، فرهنگ. سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطیت ایران. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۸.

ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد. تاریخ بیداری ایرانیان. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه، ۱۳۶۱.

«فارسیان ایران». روزنامه تربیت. سال ۹، ش ۴۱۷، ۲۹ شعبان ۱۳۲۴.

تشکری بافقی، علی‌اکبر «نامه کارگزار تجارتخانه جمشیدیان در رشت به شاه بهرام در تهران». ۱۳۲۹ قمری. اسناد آرشیو شخصی.

نیوکامن، آ. ا. ج. اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم. ترجمه معصومه جمشیدی و محمدتقی حروفچین. تهران: مؤسسه مطالعات ایران، ۱۳۷۶.

Isawi, charls. "Iranian Trades (1800-1906)." *Iranian studies*, XVI, Nos, 3-4, Summer – Autumn 1983. pp. 229-241.

_____. "The Tabriz-Trabozan Trade. 1830-1900." *International Journal of Middle-East-studie*. Vol 1. no 1. 1971. pp. 17 – 28.

Gilbar, G. "The Big merchant (tujjar) and the persian constitutional revolution of 1906". *Asain and African Studies*. 1977.

De Roover, Raymond. *The Rise and decline of The medici bank 1397- 1494*. Cambridge. Harvard University Press. 1963.

Floor, W. M. . "The merchant (tujjar) in Qajar Iran." *Zeitschrift der deutsch Morge landischen Geseltschaft*. 1979. Pp. 101 – 135.

Malcolm, Napier. *Five Years in a Persian Town*. New York: ep Dutton, 1907.

Murrzban, M. M. *The Persia in india*. Bombay:1917.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی